

DONNY CATES • TRADD MOORE • DAVE STEWART

MARVEL

1

SILVER STARBUCK BLACK



TRADD 2/19

دورنامه

dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

نوریس راد برای نجات سیاره اش مجبور شد آزادی خود را تسلیم گالاکتوس جهانفوار کند و به سفیر او تبدیل شود. او با پوششی درفشان کهکشانی و تخته ای که از دستورات ذهنی او پیروی می کرد، در سراسر جهان به حرکت در می آمد و نقش نگهبان کهکشانی را ایفا می کرد!

SILVER SURFER



پس از کشته شدن ثانوس، تایتان دیوانه، کهکشانی را آشوب فرا گرفته بود. بزرگترین جنگجویان کهکشانی جمع شدند تا وصیتنامه ثانوس فواید شود. ولی آن مجلس از طرف فرقه سیاه ثانوس مورد حمله قرار گرفت.

در نبردی که رخ داد، افراد فرقه سیاه سیاهپاله ای را گشودند و تعدادی از ابرقهرمانان را در آن به دام انداختند که سیلور سرفر یکی از آنها بود. ورطه در حال بلعیدن آنها بود.

اکنون سرفر در یک فای بی پایان گم شده...

DONNY CATES & TRADD MOORE

STORY/SCRIPT

STORY/ART

DAVE STEWART COLORIST

VC's CLAYTON COWLES LETTERER

TRADD MOORE
COVER ARTIST

NICK BRADSHAW & JOHN RAUCH; GERALD PAREL; RON LIM & MARTE GRACIA; MIKE ZECK & MORRY HOLLOWELL VARIANT COVER ARTISTS

LAUREN AMARO & DANNY KHAZEM
ASSISTANT EDITORS

DARREN SHAN
EDITOR

C.B. CEBULSKI
EDITOR IN CHIEF

JOE QUESADA
CHIEF CREATIVE OFFICER

DAN BUCKLEY
PRESIDENT

ALAN FINE
EXEC. PRODUCER

SILVER SURFER CREATED BY STAN LEE & JACK KIRBY

اسم من نوریس راده.
پسر یتیم زنا-لا.

اگرچه به نام های
زیادی شناخته
می شوم.

از نظر خیلی ها من
نوری شکوهمند در
تاریکی بی انتها و
عظیم هستم.

ودافع بی دفاعان.
انتقام جویای آنهایی که
گم شده اند.

من یک دوستم.
یک متحد و یک
عاشق.

از نظر بعضی ...
یک منجی.

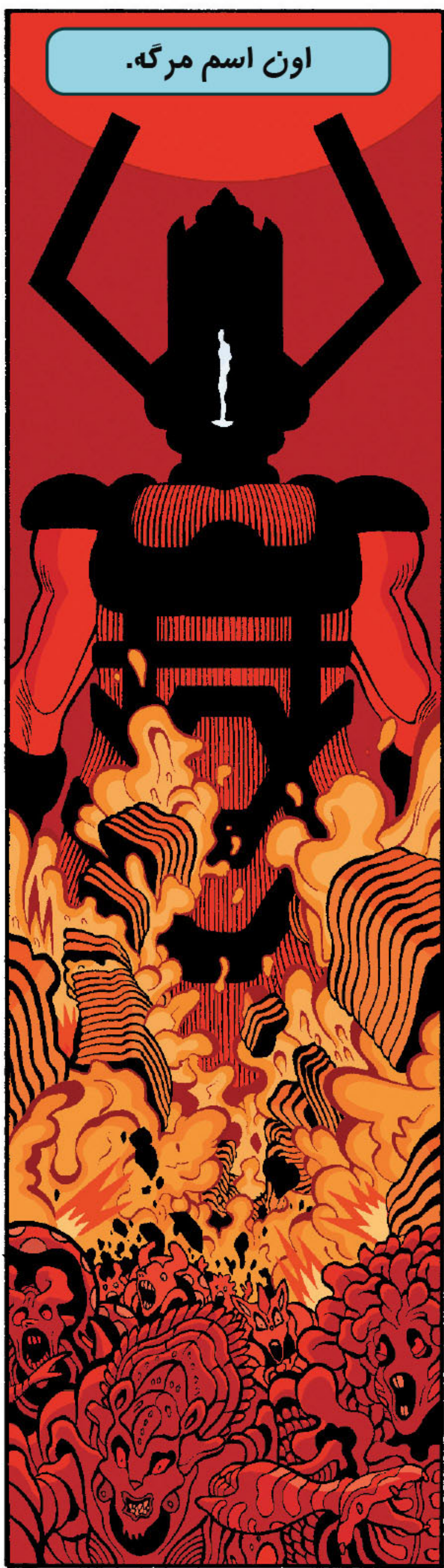
خیلی ها در سراسر جهان
هستی منو به اسم
سیلور سرفر می شناسند.

نگهبان مسیرهای
فضایی. قاصد
گالاکتوس
که از بندرها شد.

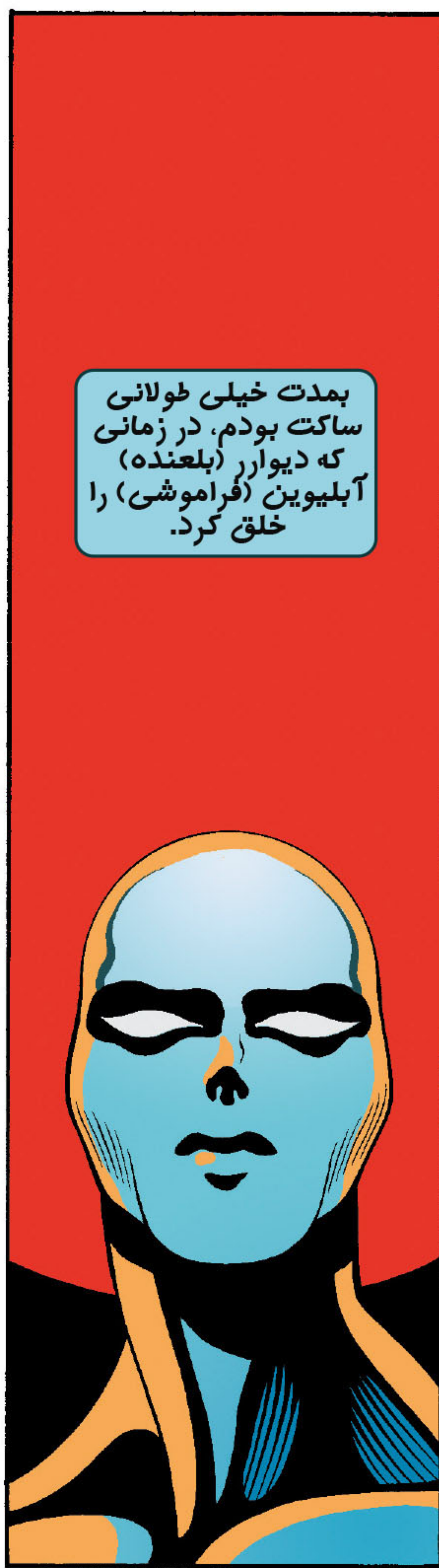
ولی افسوس، من رو به
یک اسم سری هم
می شناسند...

اسمی که
کمتر شنیده
می شود...

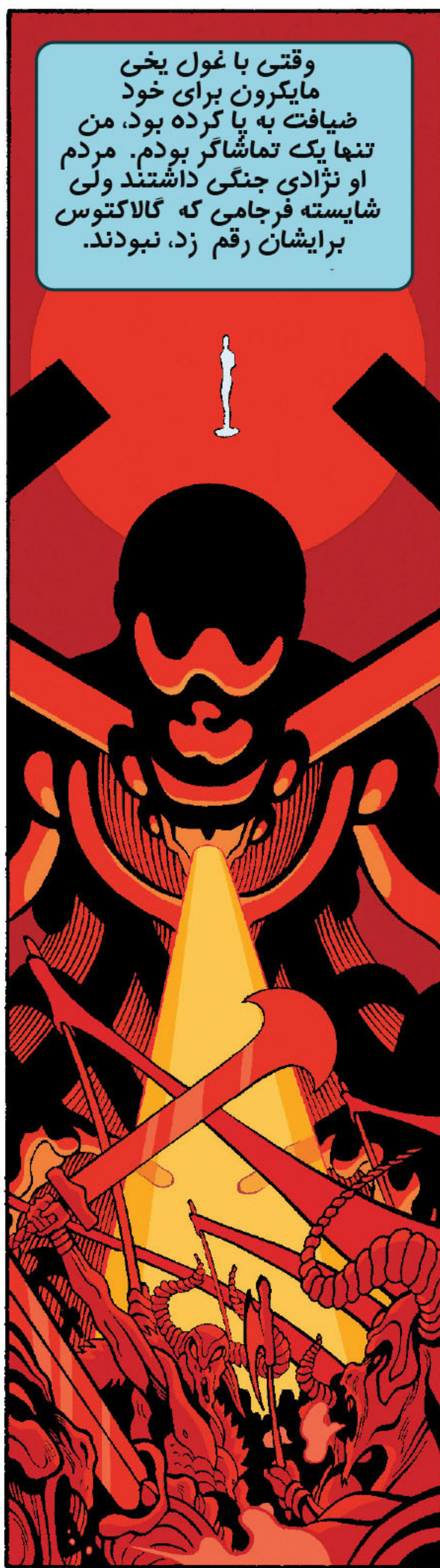
...به آرامی گفته
می شود و بر لبان
افراد در حال مرگ
جاری می شود...



اون اسم مرگه.



بمدت خیلی طولانی ساکت بودم. در زمانی که دیوار (بلعنده) آبلوین (فراموشی) را خلق کرد.



وقتن با غول یخن مایکرون برای خود ضیافت به پا کرده بود. من تنها یک تماشاگر بودم. مردم او نژادی جنگی داشتند ولی شایسته فرجامی که کلاکتوس برایشان رقم زد، نبودند.

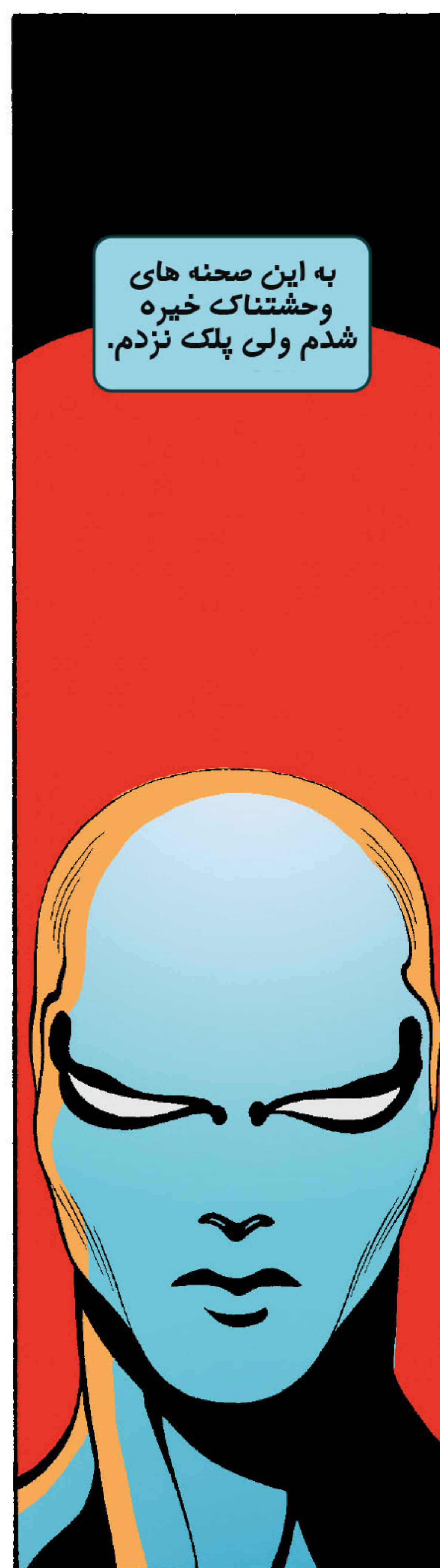


شایسته نگاه خیره سرد من نبودند یا رویکرد انفعالی جمودی من.



صدای افرادی که در الینور ۱۴۳گشته می شدند و فریاد می کشیدند و التماس می کردند. شنیدم و نشنیده گرفتم.

سیاره کوچکی بود که غذای کافی برای سرور من به حساب نمی آمد. ولی مملو بود از عشق.



به این صحنه های وحشتناک خیره شدم ولی پلک نزد.

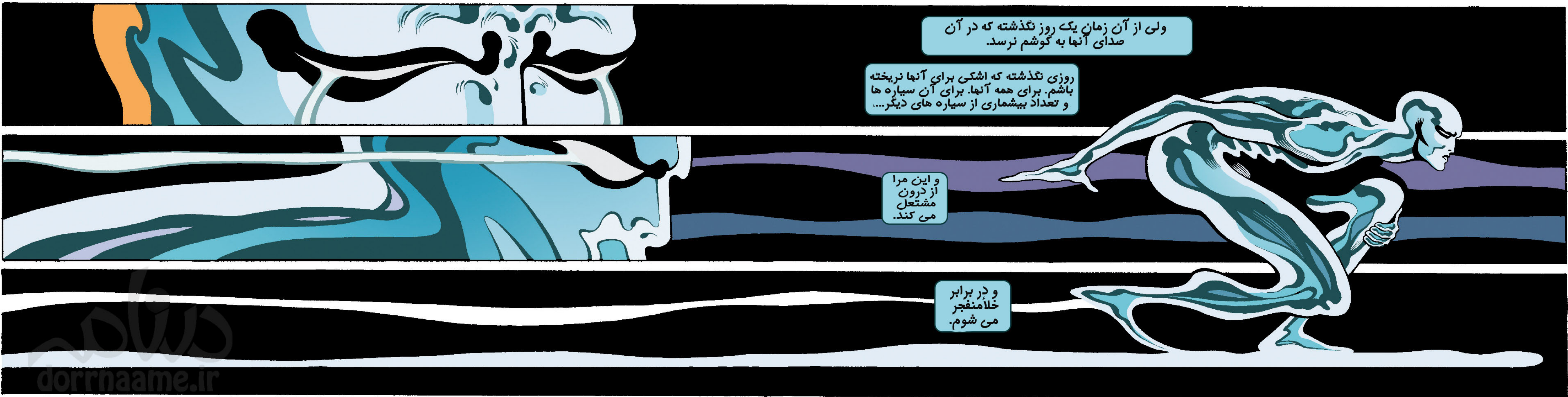


حتی صدای ساکنان سیاره کوتوله بدون هسته در یون بار را هم که دستان را به هم گره زده بودند و دعا می کردند و از خدای جدیدشان درخواست کمک می کردند نشنیدم.



من صدای آنها را شنیدم.

ولی کاری نکردم جز اینکه نور خود را بر پیکر در حال مرگ آنها بیافشانم.



ولی از آن زمان یک روز گذشته که در آن صدای آنها به گوشم نرسد.

روزی نگذشته که اشکی برای آنها تریخته باشم. برای همه آنها. برای آن سیاره ها و تعداد بیشماری از سیاره های دیگر....

و این مرا از درون مشتعل می کند.

و در برابر خلامنفجر می شوم.

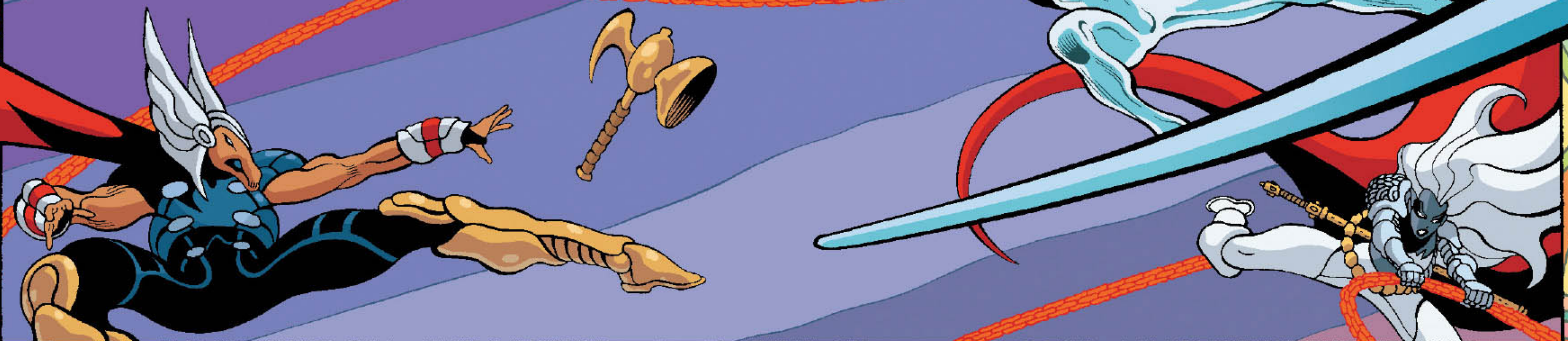
از خود ستاره ای درخشان می سازم تا راهنمایی باشم برای آنهایی که در ورطه بی پناه رها شده اند.

چون مهم نیست که سایه من چقدر رشد می کند...

الان.

...تاریکی
نخواهد توانست
مرا ببعد.

ثانوس مرده . توسط فرزند خودش
کشته شد. من به مراسم خواندن
وصیتنامه اش دعوت شدم .



فرقه سیاه در کمین بود. ما را در شکافی از
بعد زمانی و مکانی انداختند و با جسد تایتان
دیوانه فرار کردند.

بتاری بیل،
به من گوش بده!
تمام قدرتت رو
جمع کن!



طرح کال آفسیدین
برای نابودگر الان از
دسترس من خارجه.
هر اتفاقی افتاده دیگه
افتاده.

استورم بریگر رو
احضار کن!



الان!

کاری که
الان باید
انجام بدم
زنده موندنه.

و اینکه این گرداب
تکیانیک رو هدایت
کنم تا به متحدانم
آسیبی نرسه.

شاید از
میان آنها...

RAGHHH!

... کهکشانیان در غیاب من
بدون نگهبان نخواهد
ماند.

* داستان بتاری بیل و دوستان
کهکشانی او را در "نگهبانان کهکشانی"
پیگیر باشید!

با سرعت سرسام آوری از
میان طوفان به پیش می روم.
آنقدر سریع که ذهنم در آستانه
فروپاشی قرار می گیرد.

بافت زمان در هم می شکنم.
اشکال نامنظمی از نور در فضایی
آشوبی فرم هایی گروتسک، زیبا و
باز بیمارگونه ایجاد می کنم.

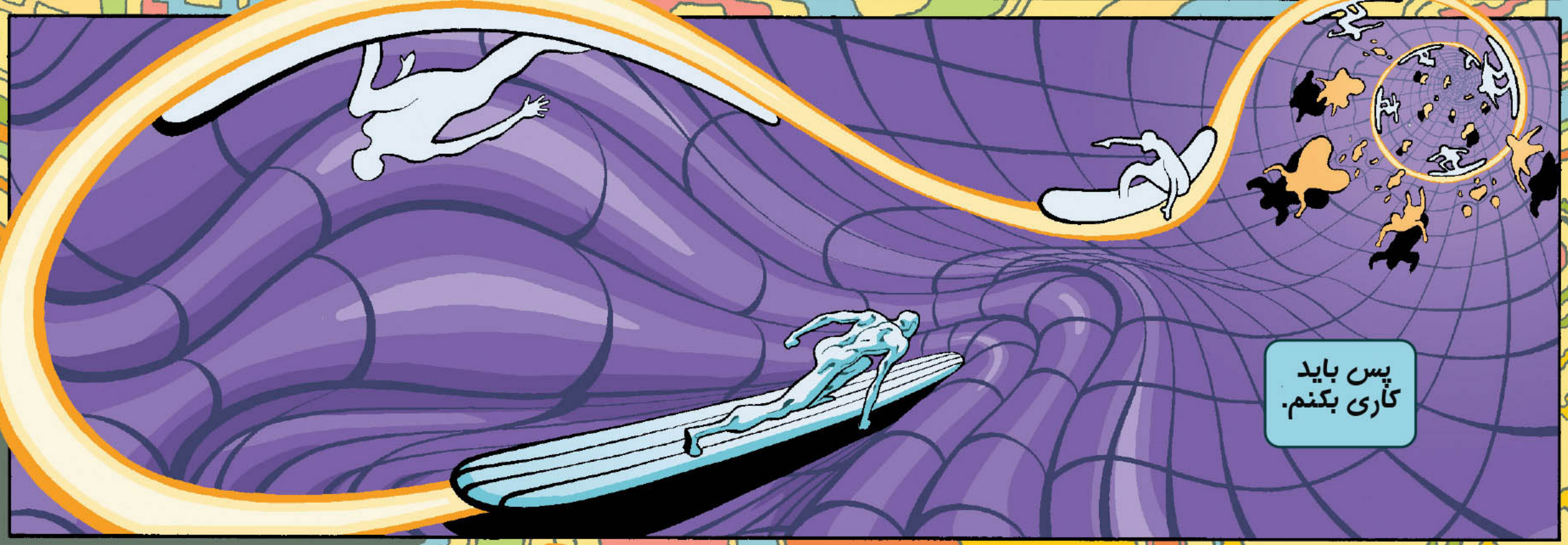
رگه هایی از واقعیت
با انفجارهایی در غبارهایی
خیالی محو می شن.

دارم تجزیه
می شم.

ولی کار من
تموم نشده.

نمی تونم نجاتشون بدم.
راستشو بخواهید اونها تا حالا
باید مرده باشند.

ولی فعلاً که
زنده اند.



پس باید
کاری بکنم.

من قدرت کهکشانی
خودم رو احضار کردم.

پس در ذهن خودم
سعی می کنم شکل اون
جریان حلقوی رو بگیرم.

گستره اون رو حس
می کنم. می فهمم کجاها
پیچ و خم داره.

و در
این پیچ و
خم ها...

...نقطه
ضعفش رو
پیدا می کنم.

اتم ها در
فضا-زمان
می سوزند.

HNNG!

و در بافتشون
شکاف ایجاد
می شه.

GRAAAHHH!

قهرمانان منتخب ستاره ها
از شکاف به بیرون پرت
می شن.

و زنده
می موندند...

...ولی اینکه از
کجا سر در میارن...

...اطلاعی
ندارم.*

مأموریتتم کامل
می شه...

...و من
تسلیم می شم.

* اگر می خواهید بدونید چی به
سرشون اومد شماره ۱# سالانه
"تجربانان کجکشان" رو مطالعه کنید.

و در نهایت
نفسی...

شش های من از
خلا پر می شوند.

امواج کیهشانی
بی ستاره و بینهایت
به من برخورد
می کنند.

دوباره و دوباره و دوباره
ورطه مرا در هم شکسته.

خسته و کوفته
و ناامید در برابر
ضربات این امواج.

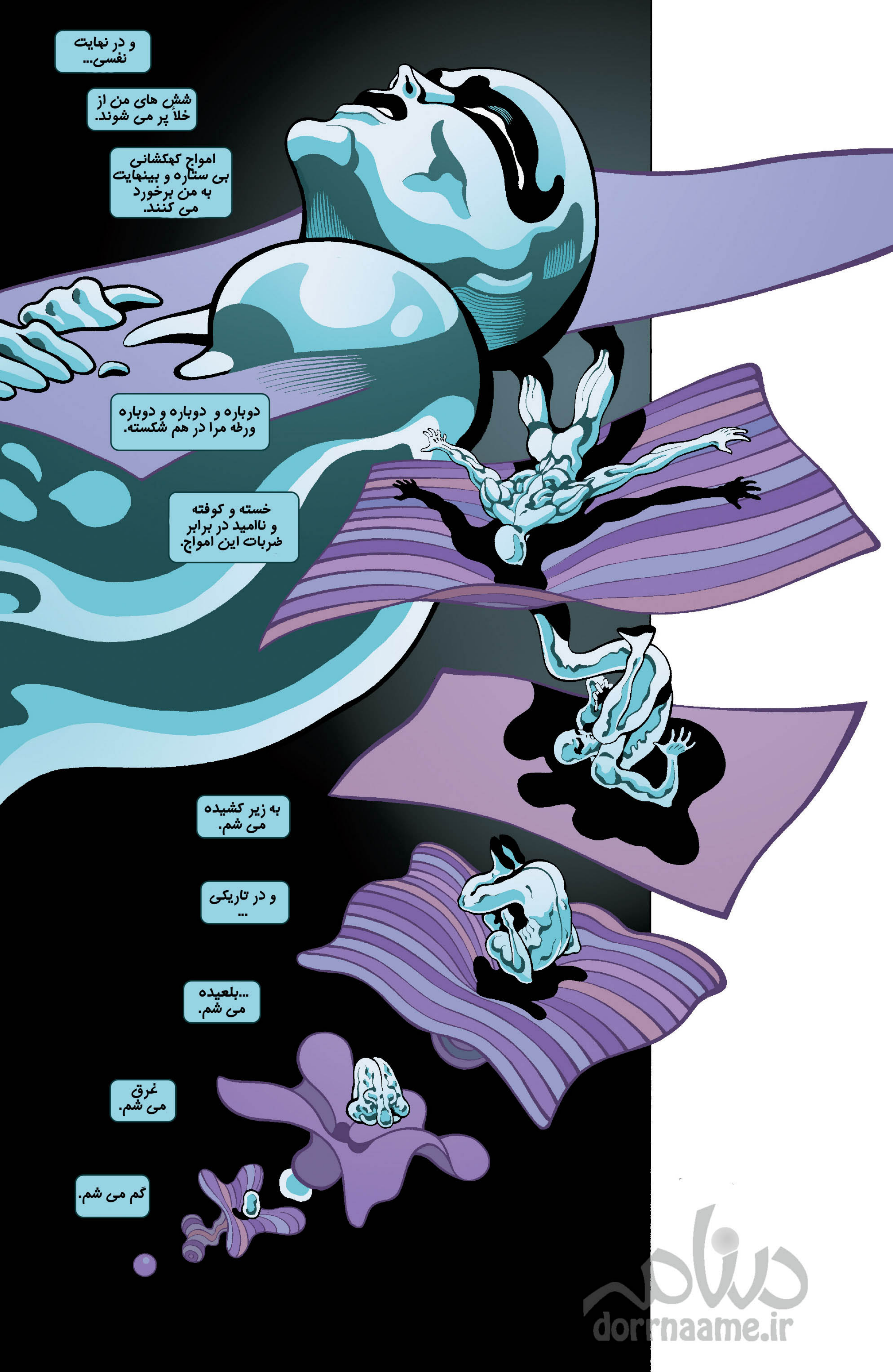
به زیر کشیده
می شوم.

و در تاریکی
...

...بلعیده
می شوم.

غرق
می شوم.

گم می شوم.



YEARS.

سقوط.

سالها.

بهبودی
تدریجی.

آگاهی کهکشانی من
رشد می کنه. در این فضاها
کهن و خالی از حیات بدنبال
نشانه هایی می گردم...

بدنبال...
کمک...

ستاره هایی...

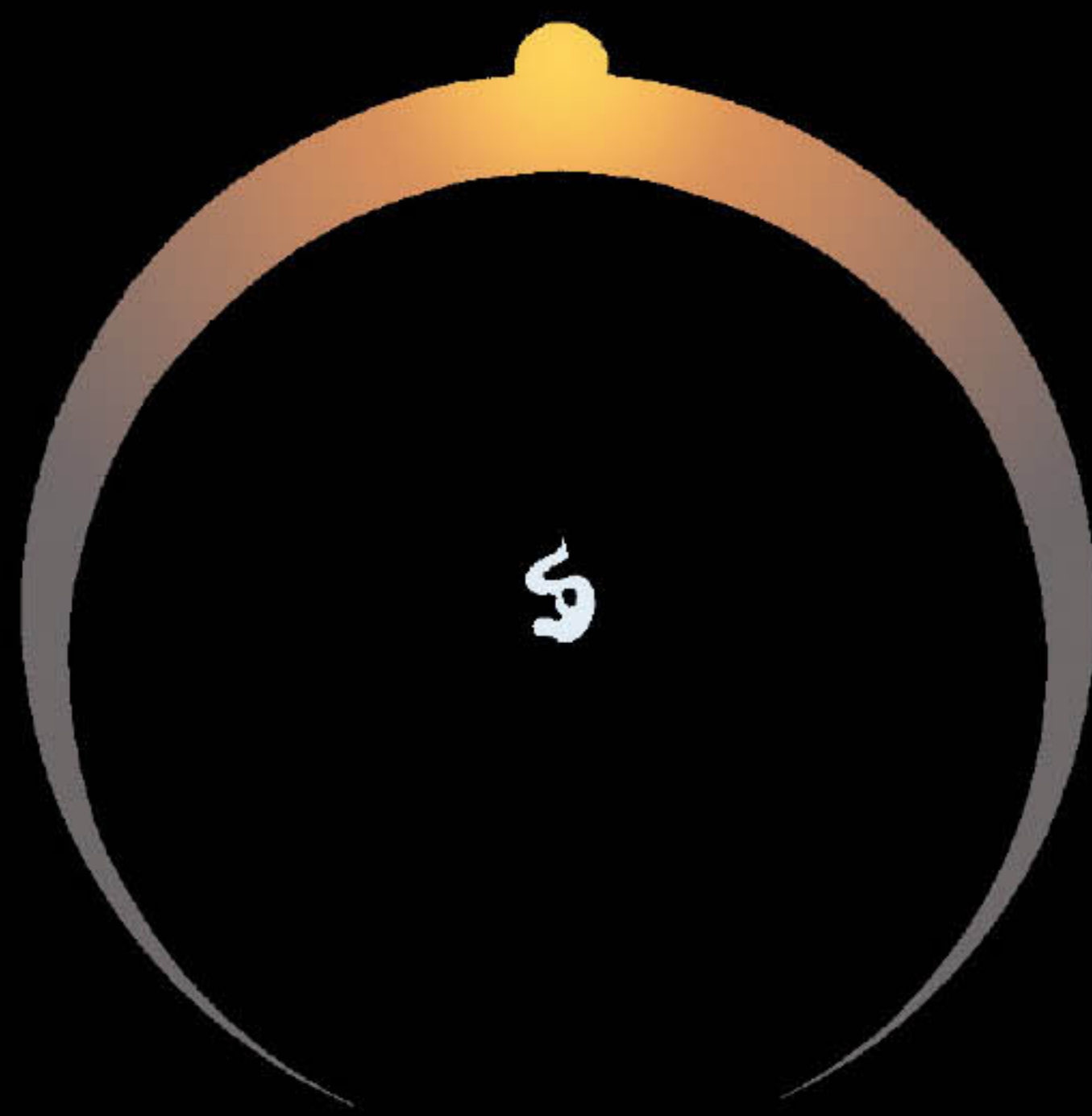
...رو پیدا می کنم... که در
تاریکی سوسو می زنند.

هزاران بار خاموش
و روشن می شن.

اونها رو می دیدم
که متولد می شن،
می خروشنند و
سپس...

...می میرند.

در دور دست ها
من منبع رو
پیدا می کنم.



چیزی کشنده
در تاریکی وجود
داره.

من بهش
اجازه نمی دم.



قدرت کمی که در من
باقی مونده احضار می کنم
تا تخته منو شکل بده.

سیاره دوره های
زیادی از من فاصله
داره.

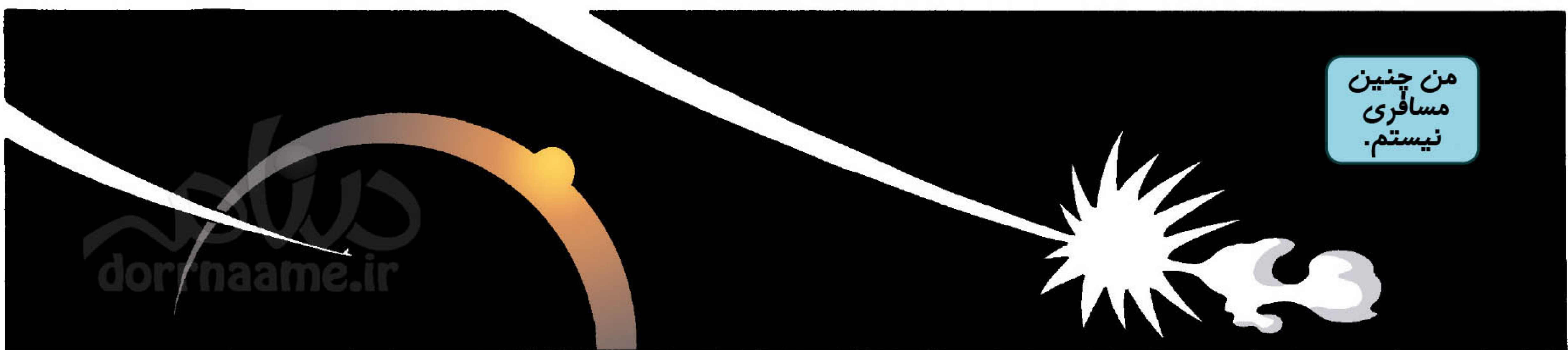


هر مسافر دیگه ای بود
قبل از دیدن سطح اون
صدها بار به دنیا میومد
زندگی می کرد و می مرد.

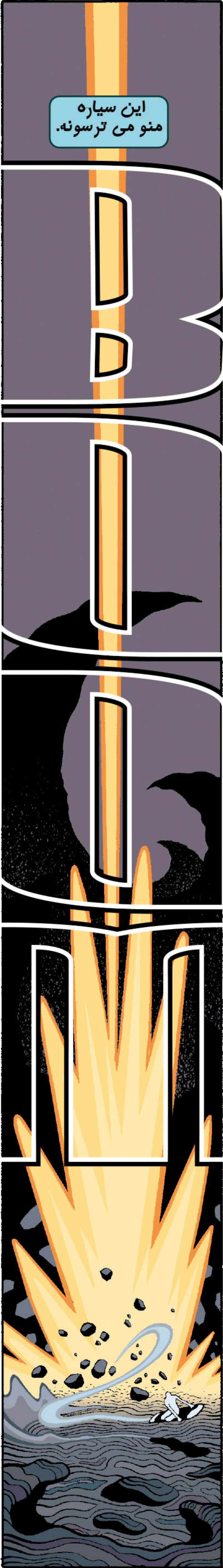
آروم.
لطفاً.



من چنین
مسافری
نیستم.



این سیاره
منو می ترسونه.



این محل
خیلی پیچیده
است. نبضش
خیلی کنده.
مدفونه.

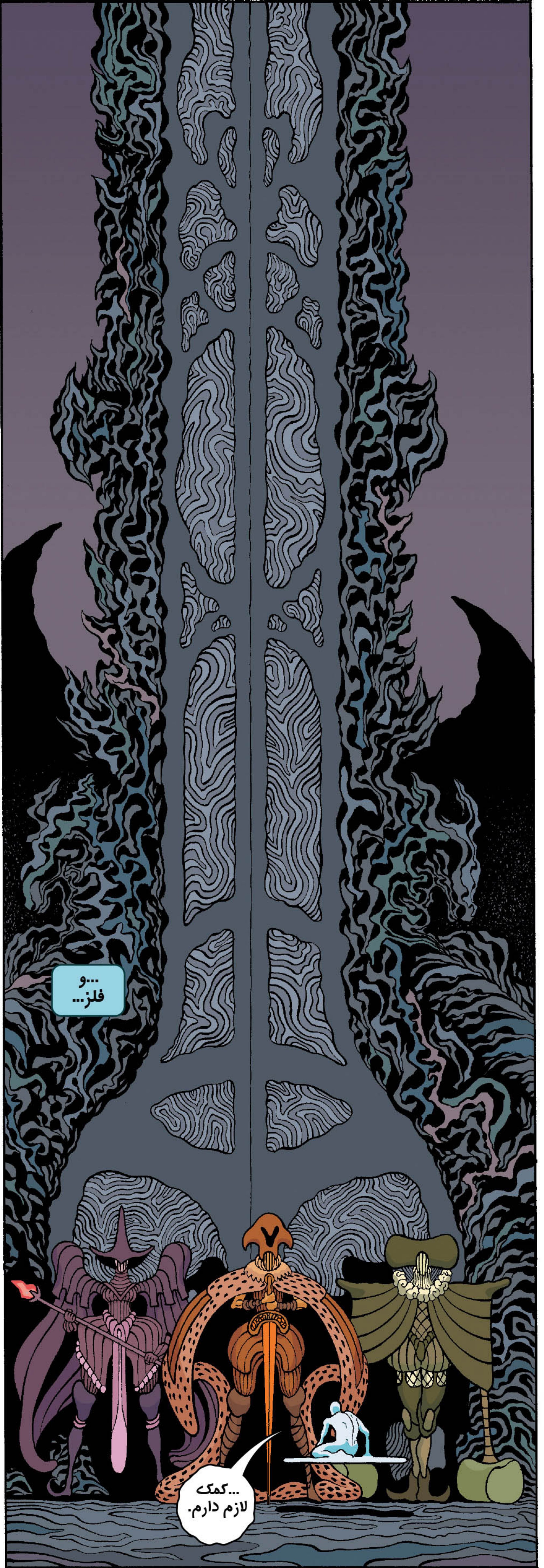
فساد و
تعفن ازش
می باره...

خواهش
می کنم...

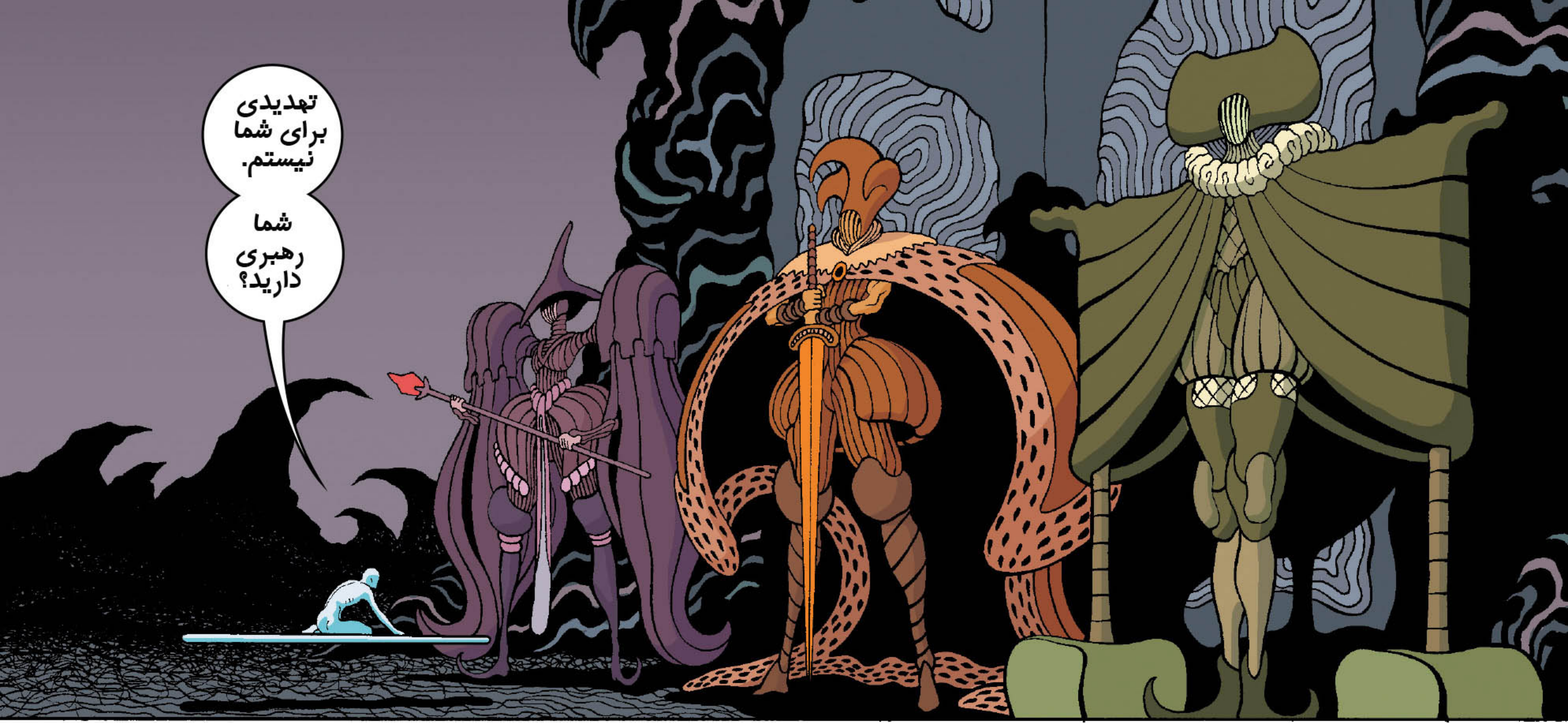
اسم من...
سیلورسرفره.
من در صلح و
آرامش اینجا
اومدم و...



و...
فلز...



... کمک
لازم دارم.



تهدیدی
برای شما
نیستم.

شما
رهبری
دارید؟



آیا
شما
رهبر
هستید؟

آری
من
رهبر
هستم.

آری
من
رهبر
هستم.



این زبان...
سرور ما
خدای ماست.

بگید
کدوم
خدا...



آری
من
رهبر
هستم.

NGGHH!



بسیار
خوب.



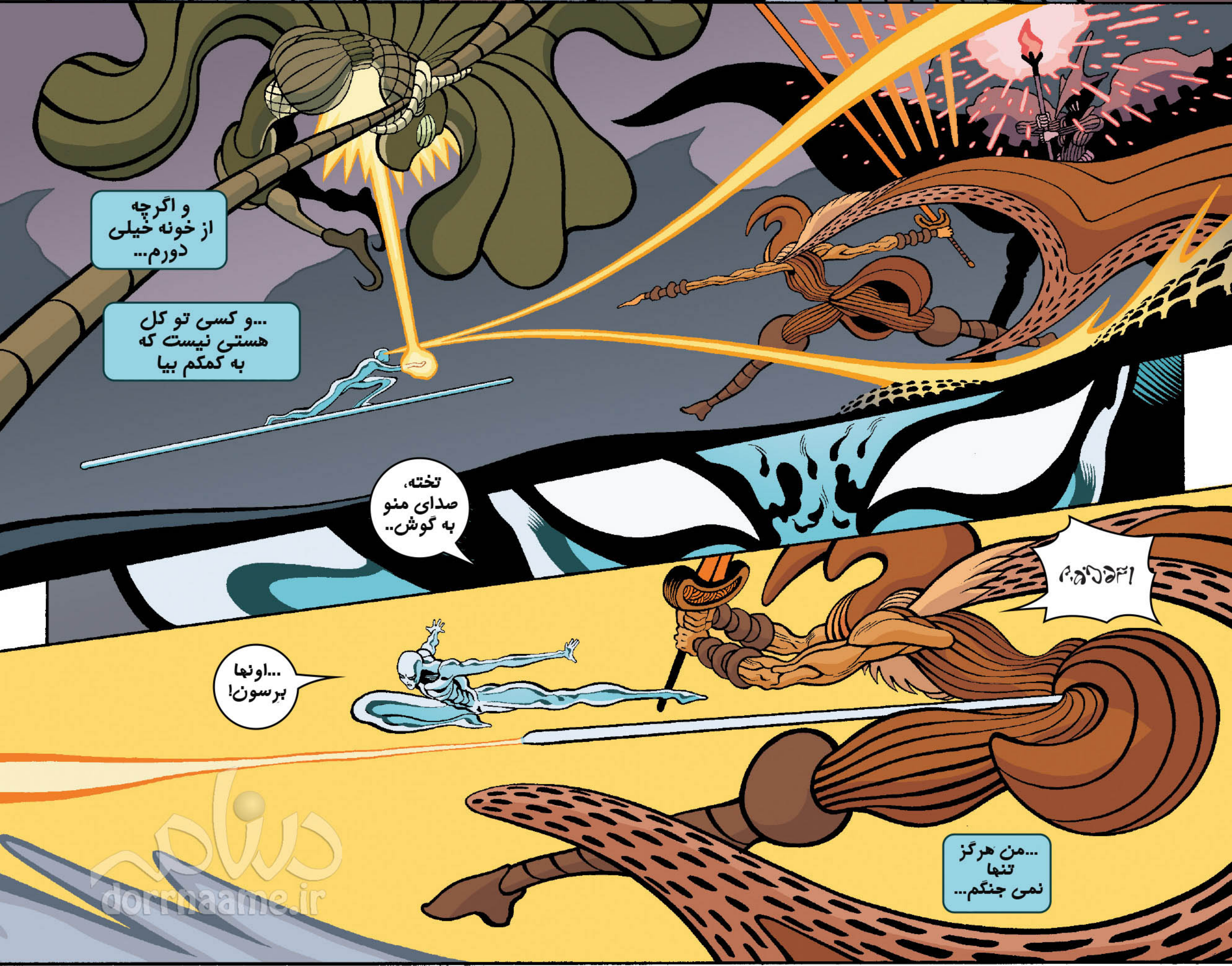
اگرچه تعدادشون
زیاده...

اگرچه
ضعیف شدم...

ولی...
اصلا ناامید
نیستم.

GAH!

...نمی ترسم.



و اگرچه
از خونه خیلی
دورم...

...و کسی تو کل
هستی نیست که
به کمکم بیا

تخته،
صدای منو
به گوش..

...اونجا
پرسون!

اگرچه...

...من هرگز
تنها
نمی جنگم...

GAH!

اینگونه،
باید

BWAAAP

BOOM

خشم راه
گلوئی منو
گرفته.

من فقط برای تموم
کردن جنگ می جنگم.

لطفاً...
لازم نیست
اینطور برخورد
داشته باشیم.

قورتش
می دم.

شون
بازارو گلو
تورپان.

AAGH!

سیاره...
در اطراف من
داره متورم
می شه...

دشمن من
زمین رو کنترل می کنه.
و در پنجه
خودش خفه ام
می کنه.

تخته من
دو تکه می شه.

فکر می کنند
من شکست
خوردم.

ولی من بیشتر از این جسه هستم.

دستم رو دراز می کنم...

...و تخته...

تیغی می شه در مسیر باد...

و من...

کافیه!

اینجا به دراز کش میام

...کش میام.

نگهبانان.

من لطمه ای به شما نمی زنم.

این آخرین شانس شماست.

تسلیم بشید.

ولی گوش کنید.



ایه!

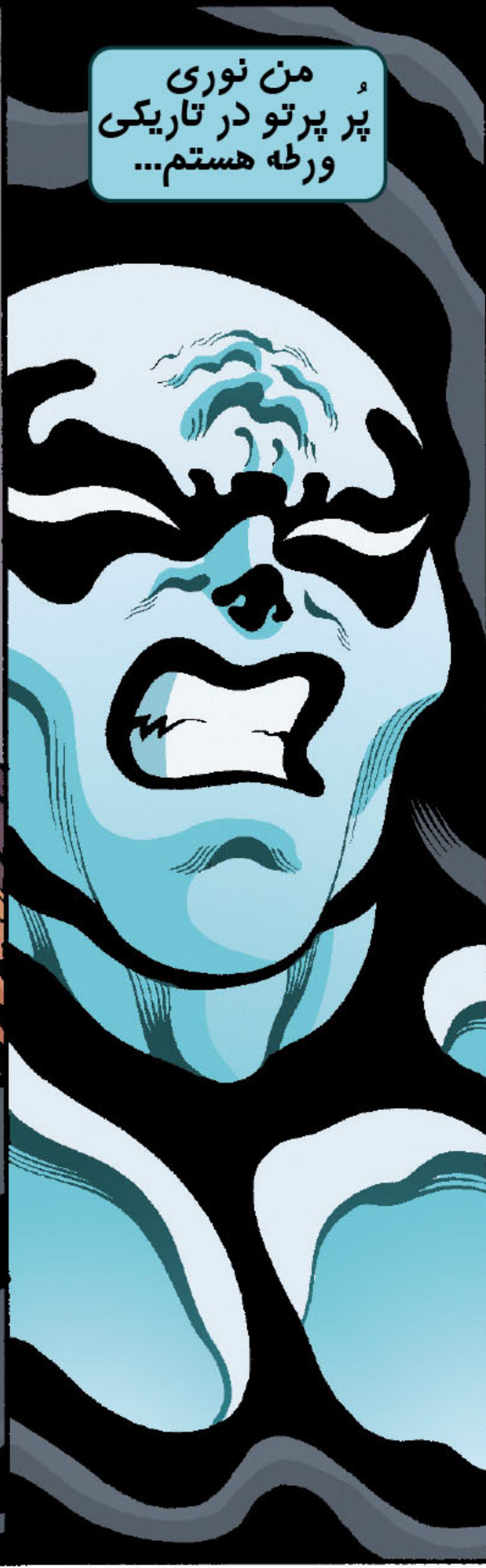
گیر افتادم. ولی
انگیزه از بین
بردن اونها دوباره
داره زیادترو می شه.

آغخ!
ن-نه...

ولی نه...



من مرگ
نیستم.



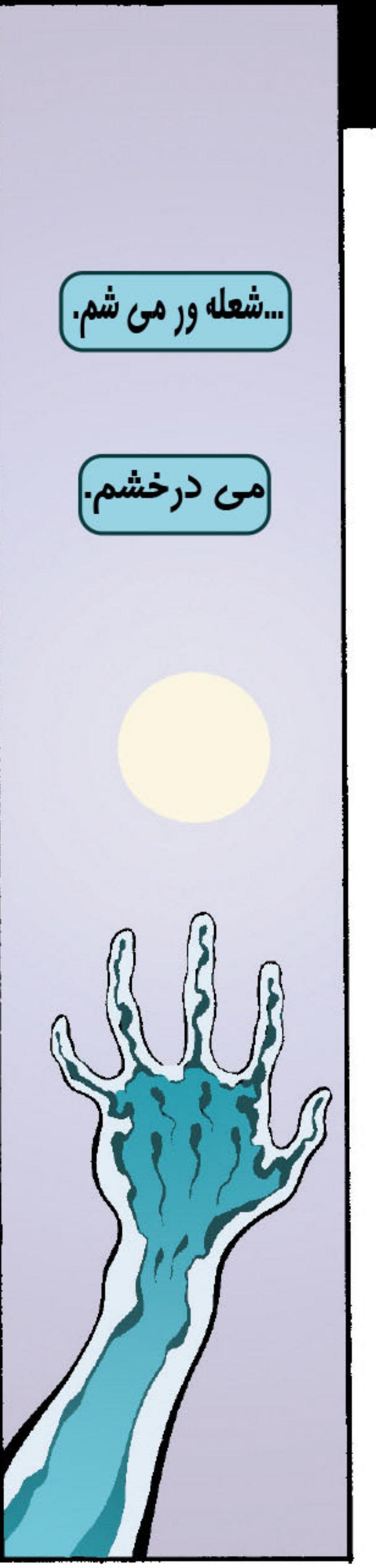
من نوری
پر پرتو در تاریکی
ورطه هستم...



...و اگر چه در
حال غرق شدن
در سایه ها...

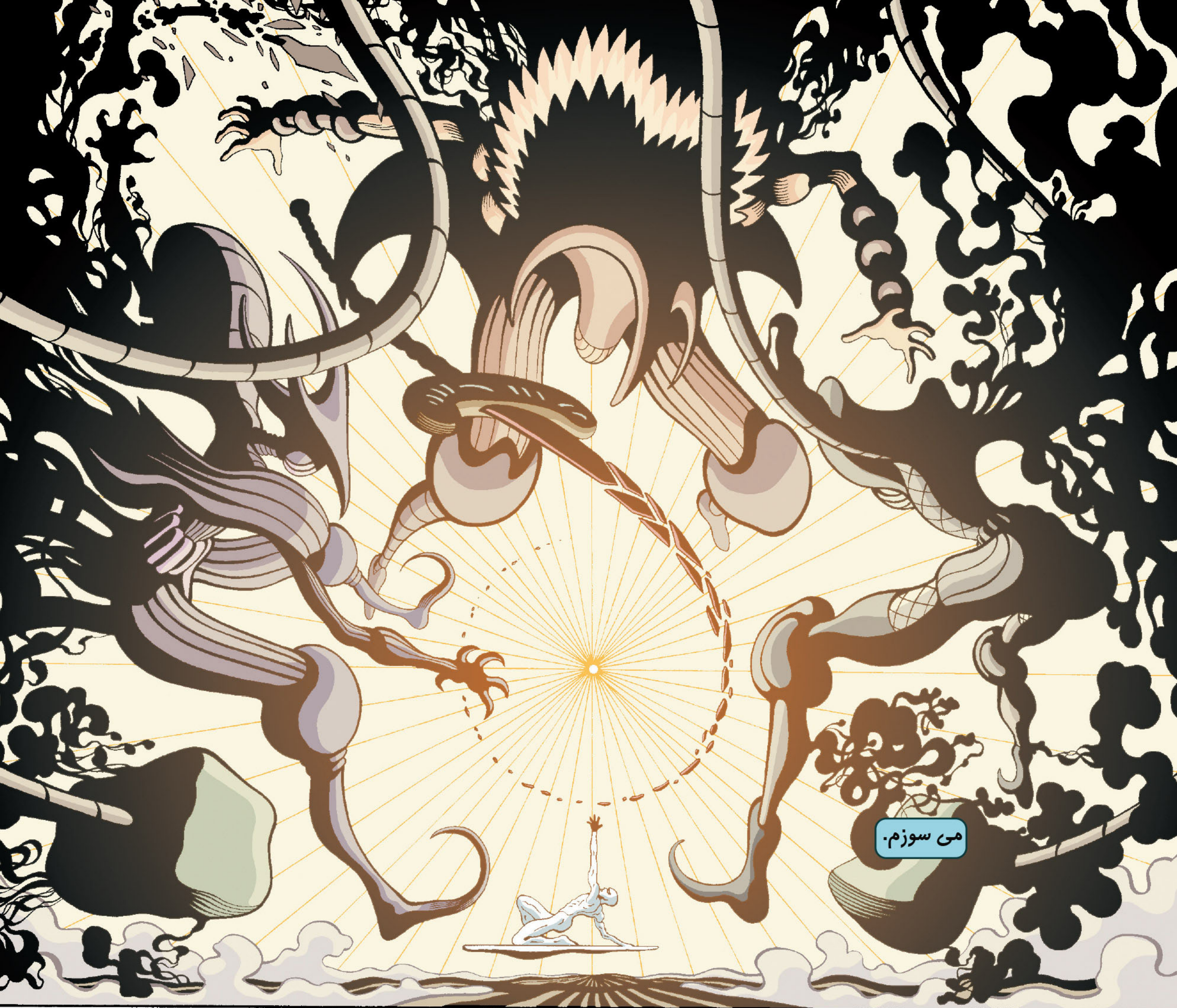


...هستم و تاریکی
منو خفه می کنه...



...شعله ور می شم.

می درخشم.



می سوزم.

و ستاره ای با سوختن خود
متولد کرده ام با نیروی کیهانی
من در آسمان ها به حرکت می افتد
تا روشنایی را به جهانیان
هدیه کند.

از تاریکی
به نور...

با نور...

...به
بجایی.



نگهبانان این محل به خواب رفتند.

در روشنایی مشخص شد که آنها الهه هایی هستند که از معبد خود رانده شده اند.

آنها که مثل من در خانه بیگانه اند تنها به عنوان یک هشدار عمل می کنند...

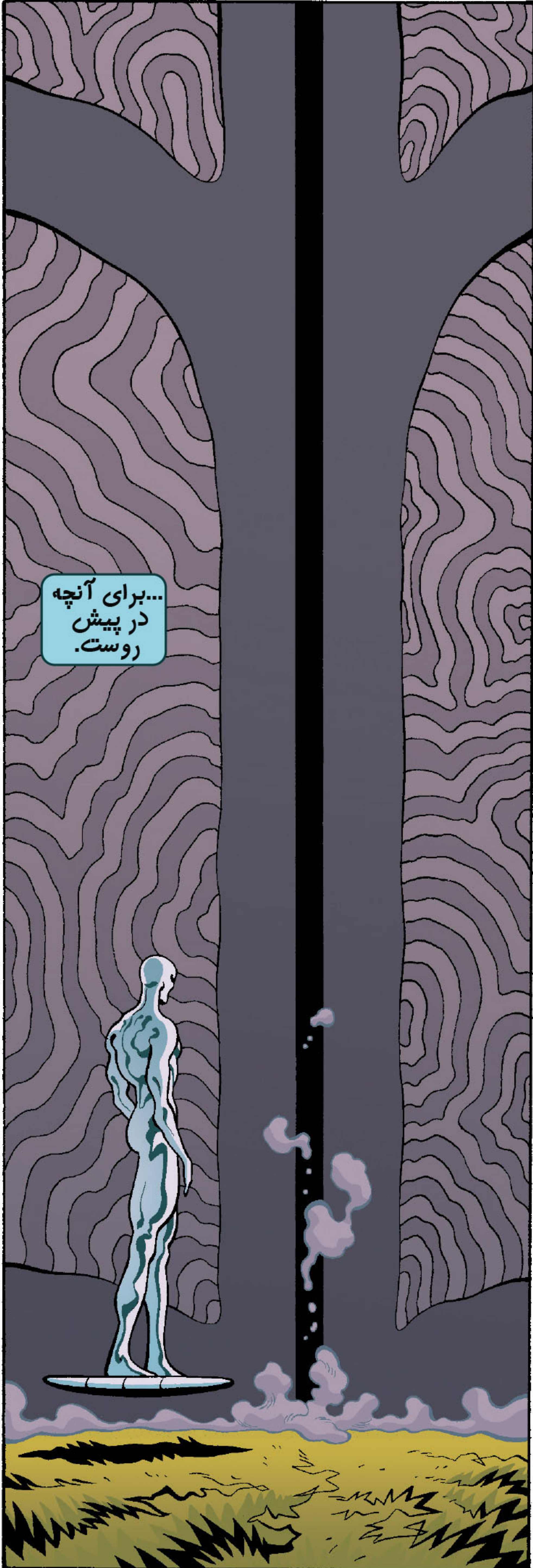


آنچه در پس این دروازه هست قدرت به اسارت کشیدن خدایان را دارد.

و از بین بردن ستاره ها.



...برای آنچه در پیش روست.



صدایی که مدتی طولانی در پس ذهنم به فراموشی سپرده شده بود، فریاد می زند که مرا تاریکی در بر گرفته...

آغغ!

سلام خورشید کوچک.



فریاد می زند که "مراقب باشن مسافر..."

خوب کردی اومدی.



“اینجا لانه
اژدهاست...”

من
کنالم.

من تونی
به من
بگی خدا.

ادامه دارد...

NEXT ISSUE:

WASHED ACROSS THE COSMOS! THE SURFER WILL HAVE TO RISK EVERYTHING TO BEAT BACK THE VOID THAT THREATENS TO SWALLOW THE GALAXY WHOLE... INCLUDING HIS VERY SOUL!

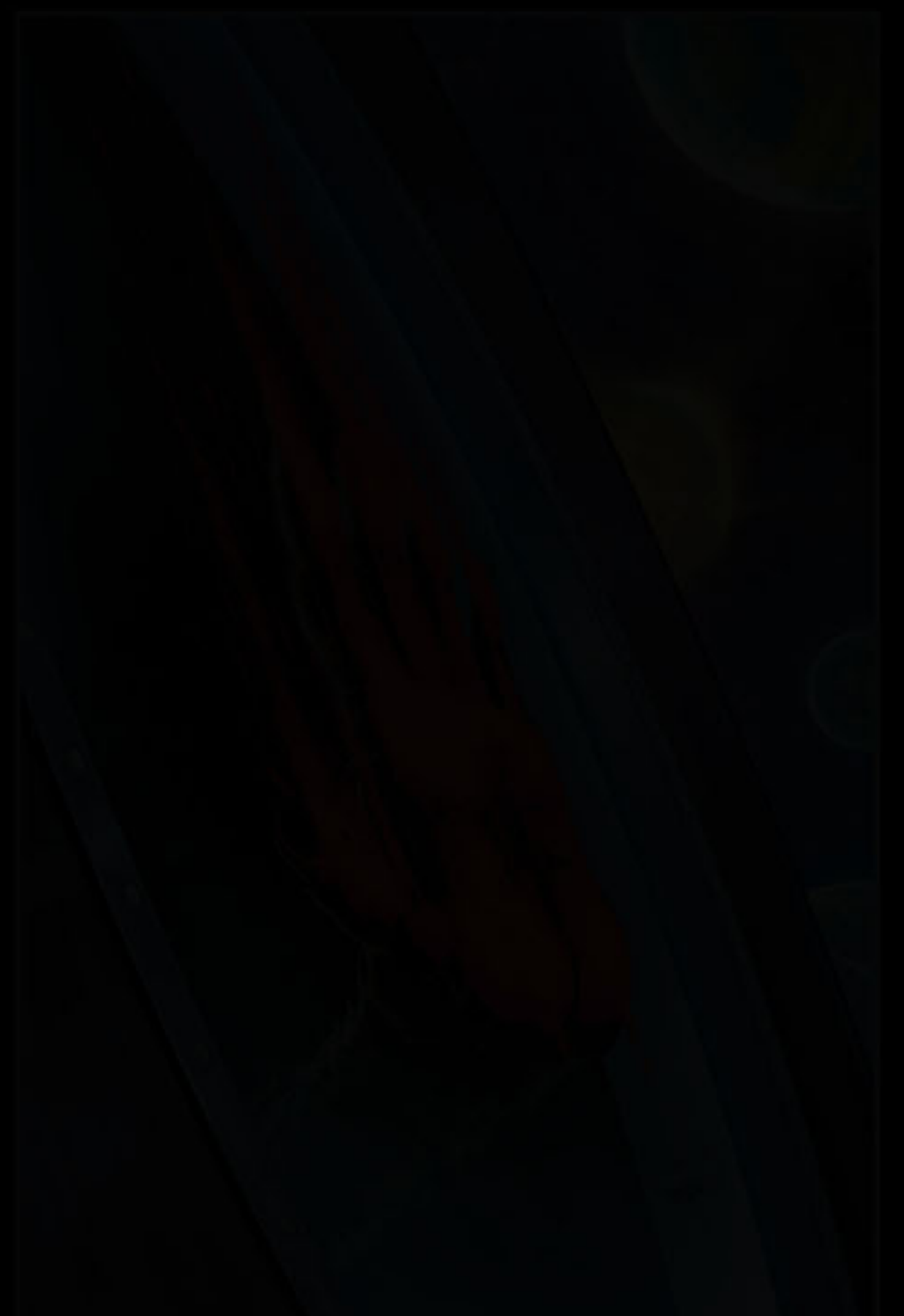
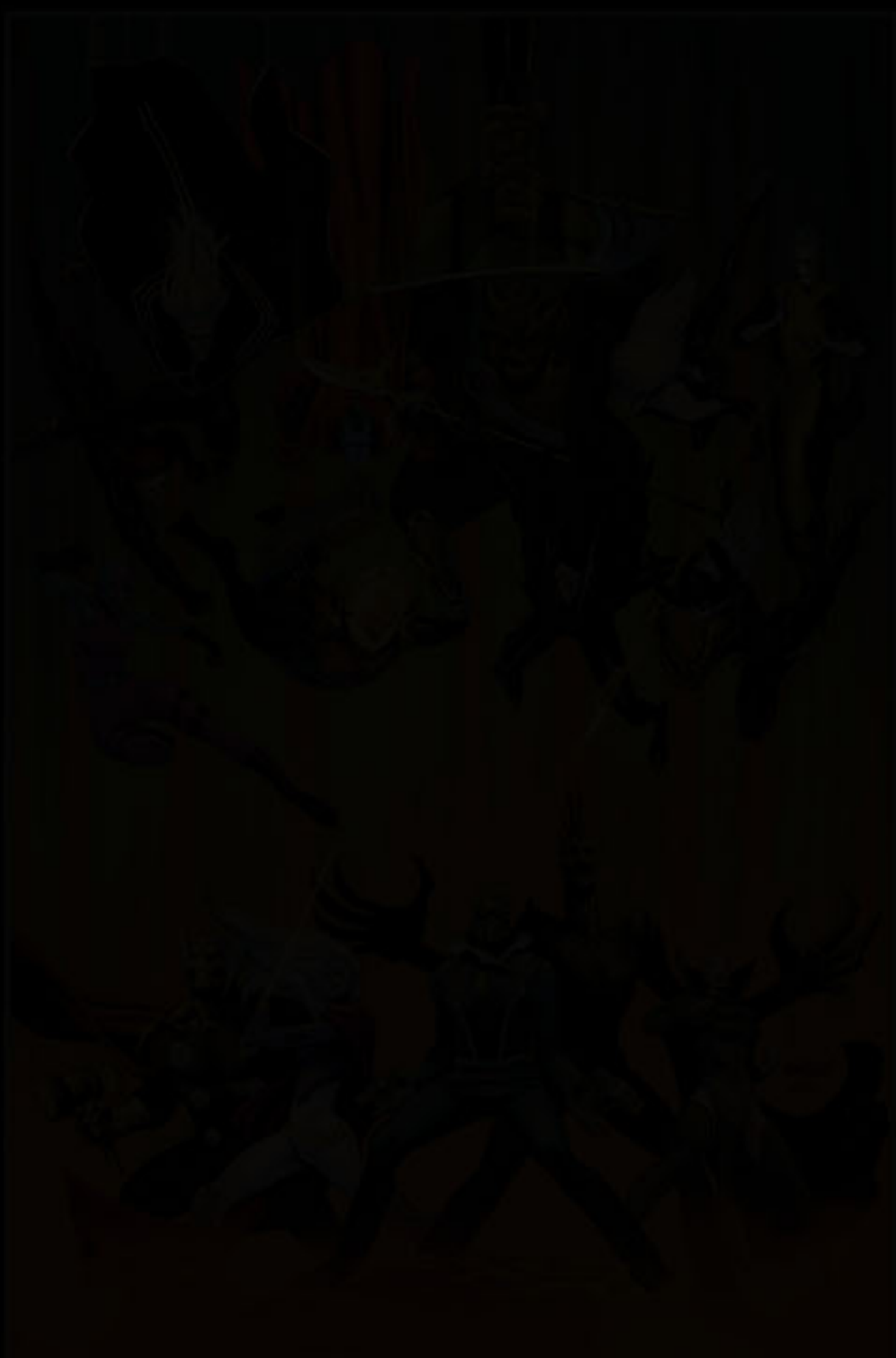
SILVER SURFER: BLACK #2



GUARDIANS OF THE GALAXY#6

THANOS#3

GUARDIANS OF THE GALAXY#7



دورنامه
dorrname.ir